

علی سر تیبی،مدیرعامل پخش فیلمبران: **«بادیگارد» گزینه مناسبی برای اکران نوروزی است**

علی سر تیبیی گفت: به نظرم فیلم سینمایی «بادیگارد» می‌تواند گزینه مناسبی برای اکران عید باشد و مردم نیز از آن استقبال خواهند کرد.
علی سر تیبیی، مدیرعامل شرکت تولید و پخش فیلمبران درباره فیلم‌های نوروزی افزود: به نظرم فیلم‌های کم‌مدی و آثاری که در جشنواره فیلم فجر اخیر مطرح شدند می‌توانند به فروش خوبی در ایام نوروز در گیشه برسند.

■ ■ ■

نامه اعتراض آ‌میز هنرمندان به خانه موسیقی

۵۰۰ هنرمند فعال موسیقی در نامه‌ای اعتراض‌آمیز نسبت به شکایت خانه موسیقی از ساسان فاطمی، پژوهشگر و مدرس صاحب‌نام موسیقی واکنش نشان دادند. در متن این نامه اعتراض‌آمیز آمده است: «جای آن است که خون موج زند در دل لعل جامعه موسیقی ایران در روزهای اخیر، با بهت و حیرت، شاهد رویداد نامبارک و ناپسندی شده است که در طول تاریخ کشور، اگر بی‌سابقه نباشد، بی‌شک کم‌نظیر است. در این رویداد تاریخی، مدیران خانه موسیقی به جای پاسخگویی به شبهاتی که درباره عملکردشان مطرح شده است، به شکل غیرمستقیم، با توسل به تنظیم شکایت در محاکم قضایی به خاطر انتقاداتی که از آنها شده است، آشکارا می‌کوشند اعضای این نهاد مدنی را تحت فشار بگذارند تا از پیگیری مطالبات قانونی خود منصرف شوند. بدیهی است مشارکت در تعیین سرنوشت تنها نهاد قانونی و صنفی موسیقی در کشور از حقوق اصلی و ابتدایی موسیقیدانان است و به همین دلیل شکایت از هنرمندان منتقد اقدامی غیرمنطقی و مخرب است که تنها نتیجه آن اثبات ناتوانی و ضعف هیات‌مدیره خانه موسیقی در پاسخگویی منطقی و شفاف به پرسش‌های جامعه موسیقی کشور و همچنین برخورد ناهنجار با دیدگاه منتقدان یا مخالفان است. ما امضاکنندگان این بیانیه برخورد اخیر مدیران خانه موسیقی را مصداق آشکار بی‌احترامی به هنر و هنرمندان کشور دانسته، ضمن پشتیبانی و حمایت از دوست هنرمند و استاد برجسته دانشگاه آق‌ای دکتر ساسان فاطمی، با محکوم کردن چنین شکایاتی از هنرمندان موسیقی ایران، این اقدام مدیران خانه موسیقی را ناپایه گرفتن حقوق قانونی و شهروندی هنرمندان کشور دانسته، آن را الگهی تاریک در عرصه هنری کشور قلمداد می‌کنیم. همچنین از نهادهای قانونی و مسؤول، و در رأس آنها وزارت محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی، توقع داریم قاطعانه و به نحوی مناسب با این اقدام که به قصد دلسرد کردن منتقدانی صورت گرفته است که اصلی‌ترین دغدغه‌شان داشتن یک نهاد مدنی سالم و پویا بوده است، برخورد کنند تا موجبات سلب اعتماد جامعه از مدیریت فرهنگی کشور فراهم نشود.»

■ ■ ■

رویز پرستویی:

اهالی رسانه از جنس «حیدر ذبیحی»ها هستند

در ادامه اکران‌های خصوصی فیلم «بادیگارد»، این اثر عصر چهارشنبه پنجم اسفند در تالار ایوان شمس توسط سازمان بسیج رسانه برای اهالی رسانه به نمایش درآمد و در آن پرویز پرستویی طی سخنانی گفت: این فیلم مخاطب آشنایی دارد و شما (اهالی رسانه) از جنس حیدر ذبیحی‌ها هستید و خوشحالم فیلمی را کار کردیم که با افراد مختلف جامعه ارتباط برقرار می‌کند. وی افزود: من کوچک‌ترین عضو تیم بادیگارد هستم و همین که همراه شوید با حیدر ذبیحی‌ها این برای ما بالاترین ارزش است. پرستویی با گرم‌انیمه یاد ابراهیم حاتم‌ی عنوان کرد: در جمع جای استاد حاتم‌ی کیا خالی است و معتقدم اگر تهیه‌کننده نبود این فیلم اینگونه به ثمر نمی‌نخست.

■ ■ ■

نامه نگاری دهنمکی به مردم

مسعود دهنمکی قصد دارد با نگارش نامه‌ای خطاب به مردم نسبت به اکران نشدن فیلم «رسوایی ۲» در نوروز توضیحاتی ارائه دهد.
در روزهای اخیر اسامی فیلم‌هایی که دراکران نوروزی سال ۹۵ به نمایش در می‌آیند به صورت غیررسمی در رسانه‌های مختلف منتشر شده است که در این لیست نام فیلم سینمایی «رسوایی ۲» به کارگردانی مسعود دهنمکی قرار ندارد و در همین راستا زمزمه‌های اکران نشدن نوروزی این اثر سینمایی از منابع مختلف شنیده می‌شود. این درحالی است که مسعود دهنمکی پیش از این درخواست پروانه نمایش «رسوایی ۲» را برای اکران نوروزی ارائه کرده بود و در همین راستا قرار است مسعود دهنمکی روز شنبه ۸ اسفند ماه نامه‌ای در خطاب به مردم به عنوان مخاطب اصلی سینمایی ایران منتشر کند و درباره نمایش داده نشدن این فیلم در اکران نوروزی توضیحاتی ارائه دهد.

گروه فرهنگ و هنر: فیلم «ابد و یک روز» از جمله فیلم‌های مهم جشنواره سی‌وچهارم فیلم فجر بوده که در شبی سیم‌رغی توانست اختتامیه این دوره را با کسب ۹ سیم‌رغ از آن خود کند و در ضمن فیلم برگزیده از نگاه تماشاگران شود. از این رو نیز: به تامل و نگاهی

میشم امیری: فیلم «ابد و یکروز» حامی فروختن خورافات است و طرفدار تسلیم تباهی شدن. خوشحالی محتواو فرمزندان «ابد و یکروز» این است که فیلم درباره نکبت است؛ غافل از اینکه فیلم هوادار نکبت است و سکانس آخر از محتوم بودن توهین‌آمیزترین سکانس به «ینجا»ست؛ اینجایمی مالیه‌ولیاپی، شیر-کش‌خانه، سگ‌پرور و سو. از «ینجا» (بخوانید ایران) گریزی نیست. و بد بودنش هم جبری است؛ پس مورد پذیرش قرار می‌گیرد و جایزه هم می‌پردا سوال اینجاست که اگر «ابد و یک روز» فیلمی درباره اشمنزاز از پلیدی و سیاهی است، چرا در طول فیلم یک لحظه هم احساس اشمنزاز نمی‌کنیم؟

و از بدی، بدمان نمی‌آید؟ فیلم درباره بدی نیست، فیلم حامی بدی است، جوری این بدی را روایت می‌کند که لحظه‌ای از این بدی بدمان نیاید. بدی بدی همیشگی. چه مادر، چه برادران و چه خواهر شوهرم‌ده وضعیت «ینجا» را یک منجاب است می‌داند که ادامه‌دار است و دوربین هم همدل با او این چرک را روایت می‌کند و داوران جشنواره هم برای این چرک کف می‌زنند و هورا می‌کشند! انگلیسی‌ها می‌گویند اگر به شما تجاوز شد و نمی‌توانید مقاومت کنید، از تجاوز استقبال کنید. این منطق اصلی فیلم در میزانس است. به همین خاطر است وقتی نمی‌تواند راوی نکبت باشد، با آن شواگرد اول بودن را نشان نمی‌دهد و لحظه‌ای هم از درس خواندن این پسر را روایت نمی‌کند. یا در رقص او با مواد بنگ و شیشه را با موسیقی شادی روایت می‌کند تا ما هم بدانیم اگر نمی‌توانیم مقاومت کنیم، از بنگ و علف دل‌شاد باشیم و حظی ببریم از قصه را با همزمان با بستن قالب‌های صمیمی، احترام به متجاوز با همین بنگی فیلم را طلب می‌کند.

هنگامی هم که بنگی دستگیر می‌شود، اسلوموشن کارگردان حمایت ما را می‌خواهد و هواداری‌مان را. آن اسلوموشن هلسوز معتاد است و علیه دستگیری متجاوز. دوربین در این خانه، ناظر بیرونی یا همان فیلمساز است که در تمام نماها موادفروش را تحسین می‌کند و او را در همه میزانش‌ها برتری داده است. سطح لذت از تجاوز آنقدر بالاست که

گروه فرهنگ و هنر: یکی از فیلم‌هایی که این روزها در فصل چراغ خاموش اکران آثار مساله‌دار در سینماها به نمایش درآمده، فیلمی است با نام «کوچه بی‌نام» ساخته هاتف علیمردانی که ظاهرا با هیاهوی دست‌اندرکاران اینگونه اثر با فروش خوبی هم مواجه شده است.

جددا از چرخه معیوب اکران در سینماها که کلید نمایش فیلم‌ها را در دست عده‌ای سینمادار قرار داده است! در این میان که فیلمی دفاع‌مقدسی مانند «تا منم ا‌ احمد» به چند تک‌سکانس در عصر خوابگاهی (۱) می‌رسد و هجوم سانس‌ها به سمت فیلمی چون «کوچه بی‌نام» می‌رود، باید به تامل درآوریم نکت بسیار ضداخلاقی نهفته در اثری چون «کوچه بی‌نام» را و در این باره لازم است توضیحی درباره این فصل از اکران پس از ایام جشنواره فجر و پیش از اکران مهم نوروزی داشته باشیم که در آن معمولا آثاری به اکران درمی‌آیند که دچار مسائل و مشکلات ممیزی باشند یا اینکه امیدی به فروش آنها وجود نداشته باشد. آنچه پیدایش فیلمی که به تهیه‌کنندگی منصور لشگری‌قوچانی ساخته شده است از گروه اول به شمار می‌رود. فیلمی که در لابه‌های داستانی‌اش به تمسخر اقتدار مومن جامعه پرداخته و در بخش دیگری از نگره رخ داده بر آن نگاهی همراه با ارتباطاتی بی‌قید و بند از روابط بی‌اخلاقی موج می‌زند، چنانکه جدا از گرہ‌گشایی گستاخانه پاپانی در فیلم در طول داستان‌پردازی نویسنده اثر شاهد از تباطی پنهانی دختر خانواده حاج مهدی با مردی متاهل در جنب کوچه‌ای که نام شهیدی چون «بی‌نام» دارد، خواهیم بود! از سوی پدر خانواده در پایان داستان با توجه به حادثه رخ داده دچار نوعی پشیمانی از برخورد با دختر بی‌قیدش می‌شود! و همه چیز در جهت به زیر سوال بردن خانواده‌های مذهبی است. فیلم «کوچه بی‌نام» که با توجه به آنچه ارائه می‌دهد، حامل عنوانی از بن‌بست بدنم‌ی(۱) است با استفاده از نگره موجود نزد نویسنده و کارگردانش که در کارنامه کاری خود آثاری مخرب خانواده‌های سنتی با نام‌های «مردن می‌شود! و همه چیز در جهت به زیر سوال بردن نگاه‌ی معیار با تفکر خانواده‌های اصیل ایرانی را در پی می‌گیرد؛ در خانواده‌ای به ظاهر مومن که نهنتها هیچ‌گونه حرمت و اصالت اسلامی و ایرانی نندز خانواده‌ها وجود ندارد، بلکه در جهت ضربه

یادداشتی درباره فیلم «ابد و یک روز»

در ستایش نکبت!

نقادانه به لحاظ فرم ساختاری و محتوای نهفته بر این فیلم است و با توجه به اینکه اثر فوق از جمله شانس‌های بالای اکران نوروزی است، در این مجال براساس یادداشت اختصاصی یکی از مخاطبان، نگاهی به «ابد و یک روز» ساخته سعید روستایی داشته‌ام و آمادگی این



حتی وقتی موادفروش بنگی به خواهر و مادر خودش هم فحش ناموسی می‌دهد، ناراحتی دست نمی‌دهد و وقتی همین انگل بی‌چاک‌ودهان موادفروش به کمپ برده می‌شود، این اشک، اشک تحمیل‌گر فیلمساز است برای محتوم‌بودن محتوا؛ ابد و یک روزمان، داستان حامی تجاوز است و از این تجاوز لذت می‌برد. بنابراین پسا در هوا بودن قصه آن مهم نیست؛ نه برای کارگردان، نه برای آن داور حامسی نکبت که به آن جایزه فیلمنامه می‌دهد. فیلمساز می‌گوید پسر ۱۰ ساله شاگرد اول است و قرار است برود تیزهوشان، ولی فیلمساز، شواگرد اول بودن را نشان نمی‌دهد و لحظه‌ای هم از درس خواندن این پسر را روایت نمی‌کند. یا در جایی دیگر، چند دقیقه از وقت فیلم را برادر بنگی که راستگو و صادق هم هست می‌گیرد که پوشه قرمز کجاست؟ روشن نیست چرا او و فیلمساز این قصه را پیگیری نمی‌کنند؟ یا در موردی دیگر، داستان امیر هیچ ربطی به قصه و فیلمنامه ندارد و اضافه است؛ مگر آنکه فیلمساز طرف‌دارانه بگوید هیچ احترامی بین هیچ کس وجود ندارد که اتفاقا چنین هم می‌گوید آنجایی که خواهر زاده، دایی را هل می‌دهد، دوربین از پایین اقتدار خواهرزاده را نشان می‌دهد و مخاطب هیچ حس بدی نسبت به خواهرزاده ندارد. حرفه اصلی فیلمنامه سکانس آخر است. اگر خواهر فروخته‌شده – نگاه فیلم

■ ■ ■

وقتی اخلاق و مذهب در فیلم «کوچه بی‌نام» به تمسخر درمی‌آید!

بن‌بست کوچه‌ای بدنام



زن به ریشه‌های این نوع تفکر است! این در حالی است که تهیه‌کننده این اثر در ادعاهایی واهی برای افرادی کوتاه‌فکر دلیل ساخت آثاری ضدارزشی و ضداخلاقی همچون همین «کوچه بی‌نام» و «عصر بخندان» و «هفت‌ماهگی» را در جهت مطرح کردن معضلات خانواده‌ها می‌داند! البته این مساله‌ای غریب‌نژد اینگونه سازندگان نبوده و همگی با این نوع دلیل‌تراشی بی‌پایه و اساس به دنبال فرار به جلویی زیر کانه هستند.

جدداً از ساختار به هم ریخته و انسواق اتفاقات بی‌جفت و بسست داستان فیلم «کوچه بی‌نام» و اتفاقاتی که به‌راحتی باز و بسته می‌شود! آنچه ایسن فیلم را به‌عنوان اثری غیرقابل پیش‌بیناد برای خانواده‌های ایرانی خواهد کرد، عدم وجود حرمت‌مندی در میان اعضای این خانواده است. در این میان سازندگان اثر خیلی زیر کانه نام «کوچه بی‌نام» را برای فیلم خود انتخاب کرده‌اند که اشاره به کوچه‌ای مزین به نام شهیدی دارد! این مساله وقتی به نقطه جوش می‌رسد که قرار و مدار دختر بی‌پروی فیلم با مردی متاهل در مجاورت همین پلاک رخ می‌دهد! اما از این رجعت‌های مساله‌دار و طرح‌ریزی‌شده جناب فیلمساز در فیلم «کوچه بی‌نام» موارد بسیار دیگری هم پیوست صورت‌جلسه فیلمش مبنی بر دین‌زدایی بوده و در چند مورد شاهد تمسخر اقتشار مذهبی که مادر

وجود دارد که نقطه نظرات متفاوت اهالی نقد و نظر درباره این اثر و دیگر رویدادهای هنری در صفحه فرهنگ و هنر «وطن امروز» با توجه به نگاهی مبتنی بر نشانه‌هایی آگاهی‌مندانه و نه برداشتی سلیقه‌ای و سطحی و با در نظر گرفتن دایره ادب به انعکاس درآید.

چون خواهرش به درستی او را زیر سوال برد و دلسوزی‌اش را، (صحنه‌ای که خواهر دلسوز دارد به نوبد توصیه اخلاقی می‌کند، میزانشن ضدنور است. صورت سیاه سمیه، بهتر از نظر فیلمساز پرده برمی‌دارد تا آن حرف‌های متلا اخلاقی و نیکو، ولی درواقع عام و غلط.) کسی از رفتنش هم ناراحت نیست؛ هیچ‌کس، بازی‌های لحظه‌های خداحافظی صنعتی است؛ مادر که منگل است. خواهر‌ها هم بی‌حسند و آن خواهر بزرگ‌تر هم سعی می‌کند به زور قطره اشکی بریزد و از همه مهم‌تر دوربین است که از همه متنگل‌تر است و حس‌ی نمی‌سازد. مادر فیلم از همه جالب‌تر است. یک مادر مواد قایم‌کن و اشغال‌جمع‌کن حقیر. (این را دوربین فیلمساز و دیالوگ‌های فیلم می‌گوید.) این مادر «ینجا»ست. (تاکید

من به اینجا به این خاطر است که این کلمه در توصیف وضعیت ابد و یک روز در فیلم آمده است. اشاره فیلمساز به «ینجا» در فیلم، فراتر از خانه (صحنه‌ای از فیلم –که هیچ‌ربطی به خط قصه و ماجراهای آن ندارد– مادر جفتگ «ینجا» ۵۰۰ تومانی کش می‌رود آن را زیر تشک پنهان می‌کند. این صحنه، توضیح نگاه فیلمساز است به مصادر. یک مادر بی‌بخار که فرزند بزرگ‌تر به او و همسرش توهین می‌کند. یک مادر دروغگو، مغلوک و زمین‌گیر که حتی فیلمساز نمی‌تواند بیماری‌اش را توضیح دهد. دختر‌ها می‌خواهند مادر بزبان کام بگی‌رد و نهایت احترام فرزندان خانه به مادر این است که برود به آگاهی و برای آزادی پسر بنگی‌اش همراه با قسم حضرت عباس(ع)، مقادیر زیادی اشک و ناله و عریده و جیغ بکشد. مادر حتی ترحم فرزندان‌اش را هم برنمی‌انگیزد. البته من دارم از لفظ مادر استفاده می‌کنم، در فیلم مادری وجود ندارد (حتی به لحاظ بیولوژیک هم این مادر زیر سوال است؛ چطور چنین مادر پیری، فرزند ۱۰ ساله دارد!) خود پیرزن – که من دارم مادر خطابش می‌کنم– هم اعتراف می‌کند: «منت به خانه‌ای که بزرگ‌تر نداشته باشد.» درست می‌گوید. فیلم، این‌جای ابد و یک روزی را ترسیم می‌کند که بزرگ‌تر ندارد، شرف ندارد، انسانیت ندارد، مادر ندارد، پدر ندارد، خدا ندارد…

نگاهی اینچنینی به سر می‌برند، چنانکه یکی از دخترهای لالیالی حاج مهدی به نام حدیثه با مردی بسیار بزرگ‌تر از خود ارتباطاتی پنهانی دارد و از این دست مثال‌ها در اثر ساخته شده به نوسندگی کارگردانی هاتف علیمردانی وبا تهیه‌کنندگی منصور لشگری‌قوچانی که به تازگی از گمنامی تبدیل به تهیه‌کننده‌ای پر کار شده است، بسیار وجود دارد.

برای نمونه باید به سکانسی اشاره کرد که «حدیثه» بعد از دیدار پنهانی با مرد غریبه وقتی به خانه می‌آید، مادر را روی تخت به حالت دراز کشیده می‌بیند که خود را کفن بیچ کرده و در حال گوش دادن به خبر اثر است و در ادامه با وجود اطلاع پدر خانواده از ارتباط دخترش با مردی غریبه و در حالی که او را در حال پیاده شدن از ماشین مرد می‌بیند و با وجود اعتراف دختر، در رویه جدید در پیش گرفته و در جهت خواست نویسنده فیلم در حالی که دچار پشیمانی از نوع نگاه سابقش شده است، تنها با بیصحتی آرام از جریان رخ داده گذر می‌کند! مساله اصلی دیگر که متأسفانه به دلیل ضعف نگارش و عدم وجود آگاهی و دانش نزد برخی مخاطبان و حتی رسانه‌های دغدغه‌مند و منتقدان خود را به رخ می‌کشد، عنوان‌سازی و اتصال هرگونه نمادهای ظاهر‌پسندانه به مساله دین‌دار بودن یک فیلم است، چنانکه اگر تمام دقایق فیلمی را شاهد انواع روابط بی‌اخلاقی و مرادوات پنهانی میان کاراکترهای فیلم و انواع نشانه‌های ضداخلاقی در دیالوگ‌ها و رفتارهای ارائه‌شده از سوی کاراکترها باشیم، تنها با یک نشانه ساده و اظهار پشیمانی بی‌مقدمه کاراکتری‌ناگهان رخسار‌هاشکفته می‌شود که عجب فیلم دغدغه‌مند با پایان عبرت‌آمیزی بوده است! و نمی‌دانند که سکانس پایانی فیلم مساله‌ای گسسته از کلیت ساختار اثر نبوده و اگر هم قرار است رخدادی مبنی بر ندامت کاراکتری رخ دهد نه

با نشانه‌های گل درشت و خلق‌الساعه در پایان فیلم بلکه باید طی روند فیلم به‌تدریج و طی فیلمنامه‌ای هدهمند خود را نمایان کند و این نوع پرداخت‌های فریبنده از سوی برخی سازندگان در واقع دور زدن ممیزی و فریب افراد سطحی بین‌فیلم‌هاست و اتفاق آن سازندگان طی دقایق بسیاری از فیلم آنچه رامی‌خواستند با‌انواع رفتارهای بی‌اخلاقی کاراکترها می‌شود. مساله دیگر نامگذاری اعضای این خانواده بوده که در عین مذهبی‌بودن کاملا در مغایرت

رویدادها

جوابیه مجری طرح فیلم «بادیگارد»
می‌ایوبی باز هم بی‌اطلاعی رئیس!
پس از اینکه حجت‌الله ایوبی در حاشیه مراسم جایزه کتاب سینمای ایران به تکذیب سخنان پژمان لشکری‌پور، مجری طرح فیلم «بادیگارد» درباره اینکه قرار بود در ابتدا جایزه نگاه ملی به این فیلم تعلق بگیرد، پرداخت، نوبت به پژمان لشکری‌پور رسید که در پاسخ به سخنان رئیس سازمان سینمایی اظهار کند: جهت اطلاع آقای ایوبی عرض می‌کنم بنده به واسطه سابقه‌ای که در فعالیت حرفه‌ای و همین‌طور مدیریت اجرایی در سینما دارم خیلی خوب به ماهیت سیم‌رغ بهترین فیلم با نگاه ملی آگام و مطلع‌م که جایزه نگاه ملی جایزه‌ای است که تصمیم‌گیری پیرامون اهدای آن به هیأت داوران برنمی‌گردد و این سازمان است که برنده آن را سازمان سینمایی تعیین می‌کند. از همین رو از صبح روز سه‌شنبه مورخ ۲۰ بهمن ۹۴ یعنی پس از اعلام نامزدهای بخش سودای سیم‌رغ تماس‌های آقای حیدری دبیر محترم جشنواره با بنده آغاز شد و پس از توضیحاتی که درباره جلسه مفصل‌شان با هیأت داوران پس از عدم وجود نام فیلم «بادیگارد» در میان نامزدهای ۳ بخش اصلی با بنده مطرح کردند، فرمودند؛ با توجه به اینکه جایزه نگاه ملی دست خودمان است ما مایلیم این جایزه را به «بادیگارد» و آقای حاتم‌ی اهدا کنیم که ما نپذیرفتیم. وی افزود: توصیه می‌کنم با عنایت به روابط حسن‌های که اخیرا بین وزارت ارشاد و سازمان مخابرات درباره پروژه «VOD» به وجود آمده، دوستان به آرشو مخابرات رجوع کرده و درخواست استماع مکالمات این حقیر و دبیر محترم جشنواره جناب آقای حیدری را در این زمینه بنمایند و در صورت نیاز می‌توانند متن گفت‌گوها را در اختیار عموم قرار دهند. به نظر می‌رسد آقای ایوبی مانند بسیاری از مطالب دیگری که در سازمان سینمایی می‌گذرد در این زمینه نیز اطلاعات کافی نداشته یا به ایشان اطلاعات درست منتقل نشده است.

■ ■ ■

اهدای «هدهد» به برندگان پنجمین دوره جایزه کتاب سال سینمایی
پنجشنبه دوره جایزه کتاب سال سینمایی شب گذشته با اهدای جایزه به کار خود پایان داد. در بخش ترجمه پنجمین دوره جایزه کتاب سال سینمایی لوح و تندیس «هدهد» به محمد شهبها مترجم کتاب «تاریخ اجتماعی سینمای ایران» نوشته حمید نفیسی، منتشرشده توسط انتشارات «مینوی خرد» تقدیم شد و از «محمد شهبها» برای یک عمر ترجمه ادبی سینمایی تجلیل شد.
در بخش ترجمه ۲ دیلم افتخار به احمد السستی و محمد همتی برای کتاب «هنر دقت» نوشته مایکل اوپیتس از بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه اهدا شد.
در بخش بهترین تألیف دیلم افتخار به احمد ضابطی‌چهرمی مولف کتاب «شکل شناسی و گونه‌شناسی فیلم مستند» منتشر شده توسط مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی تقدیم شد.
در بخش بهترین تألیف، لوح و تندیس هدهد به محمد گذرآبادی نویسنده کتاب «فرهنگ فیلمنامه» منتشرشده توسط بنیاد سینمایی فارابی اهدا شد.

■ ■ ■

شعری کنایه آمیز برای فتنه‌گری‌های ملکه انگلیس

طی روزهای گذشته و پس از حيله بی‌بی‌سی به منظور مخدوش کردن چهره برخی از کاندیدباها و حمایت از یک لیست خاص در انتخابات مجلس دهم و دوره پنجم مجلس خبرگان، تعدادی از هنرمندان و شاعران نسبت به این موضوع واکنش نشان دادند.
سبایش امیری، شاعر و منتقد پیشکسوت کشورمان از جمله این افراد بوده که با شعری کنایه‌آمیز درباره نقش فتنه‌گران بی‌بی‌سی انگلیس در انتخابات پیش‌رو نوشته است:

چرا ناشیگری کردی کنون «عصم الزیارت»؟!
گرفتی این زمان فاز جنون «عصم الزیارت»؟!
به «بوق‌انگلساکسون» نهانی‌ها هویدا شد
سرخ رفت از دستت برون، «عصم الزیارت»!
برای سرنوشته «ملت ما» نسخه می‌پیچی؟!
شدی مردود این سخت آزمون، «عصم الزیارت»!
و افشا کرده «بی‌بی‌سی» دغلبازان رسوا را
عبان شد ماجرا بی‌چند و چون «عصم الزیارت»!
چه سودایی به سر داری کلید فتنه‌ات رو شد
و ساکت شو زمن ساز فزون «عصم الزیارت»!
تو کر «قراطیون» دم می‌زنی با مردم ایران
ندیدی دست و پالت فرق خون «عصم الزیارت»؟!
و فکر «نگلیسی کردن» خط‌خمینی (ره) مُرد
چه سود از شیوه «انزکسیون» «عصم الزیارت»؟!
منو دلخوش‌به اشراقیت «توکسیسه‌ها» یرا
ندارد دین ما «لُرد» و «بارون» «عصم الزیارت»!
زدم فتالی به «حافظ» تا بدانم حال و احوالت
بفتن‌ت او! تو هستی بدشگون «عصم الزیارت»!
من بر طبل توخالی بزگو زان راز شیطانی
ز قتل بانی «دارالفنون» «عصم الزیارت»!
حکایت‌ها فراوان است و صدها برگ آن حاضر
بکش جان خودت دست از فسون «عصم الزیارت»!